





# زندگی با آیه‌ها

آیات نصر و زیارت اربعین

به همراه مختصری از زندگی‌نامه امامین کاظمین (علیهما السلام)

تهیه و تدوین: کمیته فرهنگی اربعین خراسان جنوبی

ناشر: انتشارات مسجدنا

طراحی و صفحه‌آرایی: محسن مقداری

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۸۸۶۰۸-۱-۷

شمارگان: ۱۰۰۰۰ نسخه

نوبت و سال چاپ: چاپ اول، تابستان ۱۴۰۴

قیمت کتاب: ۵۰۰۰۰ تومان

برای شرکت در طرح زندگی با آیه‌ها عدد ۷ را به شماره ۳۰۰۰۱۹۳۸ پیامک نمایید.





### فهرست:

- ۵ ..... حرمین کاظمین
- ۷ ..... امام موسی کاظم علیه السلام
- ۸ ..... امام محمد تقی علیه السلام
- ۹ ..... فضیلت زیارت امامین کاظمین
- ۱۵ ..... آیات نصر
- ۲۷ ..... زیارت اربعین



## حرمین کاظمین

در شهر بغداد و در منطقه‌ای به نام کاظمین، یکی از مقدس‌ترین مکان‌های زیارتی شیعیان جهان قرار دارد: حرم مطهر امام موسی کاظم (علیه السلام) و نوه مطهر ایشان حضرت امام محمد تقی (علیه السلام). این بارگاه نورانی که به «حرمین کاظمین» معروف است، نه تنها زیارتگاهی معنوی برای مسلمانان به شمار می‌رود، بلکه نمادی از تاریخ، فرهنگ، معماری اسلامی و مقاومت اسلامی است.

حرم کاظمین حدود ۲۶ هزار مترمربع مساحت دارد و از قسمت‌های مختلفی مانند صحن، روضه، گلدسته، ضریح، رواق و گنبد تشکیل شده و در آن هنرهای مختلفی همچون آینه‌کاری، کاشی‌کاری، طلاکاری، منبت‌کاری و خطاطی به کار رفته است. ساخت نخستین بنا بر مرقد امامین کاظمین، به پیش از دوران آل بویه برمی‌گردد. حکومت‌های آل



بویه، سلجوقیان، آل جلایر، صفویه و قاجاریه، حرم کاظمین را بازسازی، تعمیر و تکمیل کرده‌اند. در دوره صفویه به دستور شاه اسماعیل صفوی، بناهای حرم تخریب شد و به جای آن بنای جدیدی ساخته شد که شامل گنبد، گلدسته و مسجد می‌شد. در عصر قاجاریه نیز فرهادمیرزا، عموی ناصرالدین شاه، اقدامات عمرانی عمده‌ای در حرم انجام داد که تجدیدبنای صحن از جمله آن‌ها است.

افراد مشهوری همچون شیخ مفید، ابن قولویه، خواجه نصیرالدین طوسی و معزالدوله دیلمی در حرم کاظمین مدفون هستند. کتاب‌های تاریخ الامامین الکاظمین و روضتها الشریفة نوشته جعفر النقدی و تاریخ المشهد الکاظمی اثر محمدحسن آل‌یاسین از جمله آثار هاستند که درباره حرم کاظمین نوشته شده‌اند.



## امام موسی کاظم (علیه السلام)

هفتمین امام شیعیان، فرزند امام جعفر صادق (ع)، در سال ۱۲۸ هجری قمری در منطقه ابواء میان مکه و مدینه متولد شد. او به «کاظم» مشهور شد، لقب «کاظم» به معنای «فروبرنده خشم» است. امام در برابر ظلم خلفای عباسی، به‌ویژه هارون الرشید، با صبر، تقوا و بردباری کم‌نظیر ایستادگی کرد. رفتارهای عفوگونه، تسلط بر نفس، سکوت در برابر ظلم برای حفظ شیعه، و عبادت مستمر، همگی دلیلی بر شایستگی این لقب است. شیعیان و مسلمانان امام کاظم (علیه السلام) را باب‌الحوائج می‌دانند، یعنی «دروازه رسیدن به حاجات». امام کاظم (علیه السلام) بیشتر عمر خود را در زندان‌های هارون الرشید گذراند و سرانجام در سال ۱۸۳ هجری قمری به شهادت رسید.



## امام محمد تقی (علیه السلام)

نهمین امام شیعیان، فرزند امام رضا علیه السلام، در سال ۱۹۵ هجری قمری در مدینه متولد شد. ایشان به «جواد الائمه» نیز معروف است. کنیه او ابوجعفر و ملقب به جواد و ابن الرضا بود. ملقب شدن او به جواد را به علت کثرت بخشش و احسان او دانسته‌اند. امام جواد علیه السلام در سن بسیار کم به امامت رسید و با وجود سن کم، علم و فصاحتش زبانزد بود. امام جواد هفده سال امامت کرد که با حکومت مأمون عباسی و معتصم عباسی همزمان بود. براساس نقل بیشتر منابع، امام جواد علیه السلام در آخر ذی‌القعدة سال ۲۲۰ ق در ۲۵ سالگی، به شهادت رسید. در میان امامان شیعه، وی جوان‌ترین امام در هنگام شهادت بوده است. او در کنار جدش موسی بن جعفر علیه السلام در مقبره قریش در کاظمین به خاک سپرده شد.



## فضیلت زیارت امامین کاظمین

احادیث پیرامون زیارت امام موسی بن جعفر (علیه السلام) چند گونه است که نمونه‌هایی از آن‌ها در ذیل بیان شده است:

**نوع اول:** در بعضی روایات، زیارت امام هفتم به زیارت رسول اکرم تشبیه شده است؛ از جمله در حدیثی از امام رضا (علیه السلام) چنین آمده است:

«من زار قبر اُبی بَغداد کان کن زار قبر رسول الله و قبر امیر المؤمنین صلوات الله علیه، إلا أنَّ الرسول و لأمیر المؤمنین صلوات الله علیهما فضلهما» [۱]

کسی که قبر پدرم را در بغداد زیارت کند، مانند کسی است که قبر رسول خدا (ص) و امیرالمؤمنین (علیه السلام) را زیارت کرده، جز برتری رسول خدا و امیرمؤمنان که به جای خود محفوظ است.

در حدیث دیگری راوی می‌گوید: به امام رضا (علیه السلام) عرض کردم: فدایت گردم! زیارت قبر امام هفتم در



بغداد برای ما مشقت دارد و ما (به سبب مشکلاتی نمی توانیم داخل حرم آن بزرگوار شویم) به زیارت آن بزرگوار می رویم، در حالی که از پشت دیوارهای حرم آن حضرت به آن بزرگوار سلام می گوئیم؛ پس ثواب زیارت آن بزرگوار چیست؟

امام رضا علیه السلام فرمود: به خدا قسم ثواب زیارت آن حضرت همانند ثواب زیارت قبر رسول خداست. [۲]  
**نوع دوم:** روایاتی است که تصریح می کند زیارت قبر امام موسی بن جعفر علیه السلام ثواب زیارت امام حسین علیه السلام را دارد:

۱. عن الحسن بن الوشاء قال: قلت للرضا (ع): ما لمن زار قبر أبيك أبي الحسن؟ فقال: «زره»؛ قال فقلت فأى شيء فيه من الفضل قال: «له مثل من زار قبر الحسين» [۳]

حسن بن وشاء گوید: به امام هشتم علیه السلام عرض کردم: پاداش کسی که قبر پدر بزرگوار شما را زیارت کند چیست؟ فرمود: او را زیارت کن؛ عرض کردم:



چه فضیلتی دارد؟ فرمود: فضیلت آن همانند کسی است که قبر امام حسین علیه السلام را زیارت کند.

۲. عن رحیم قال: قلت للرضا (ع): إِنَّ زیارةَ أبی الحسن علیه السلام ببغداد علینا فیها مشقة، فما لمن زاره؟ فقال: «له مثل ما لمن أتى قبر الحسین علیه السلام من الثواب» [۴]

راوی گوید به امام رضا علیه السلام عرض کردم: زیارت امام هفتم در بغداد برای ما سخت است؛ پاداش کسی که او را زیارت کند چیست؟ فرمود: ثواب او همانند ثواب زیارت قبر امام حسین علیه السلام است.

بنابراین تمام آثاری که برای زیارت امام حسین علیه السلام وارد شده، بر زیارت امام هفتم علیه السلام نیز مترتب است و همه ثواب‌های زیارت آن بزرگوار به زائر امام هفتم نیز داده می‌شود.

**نوع سوم:** روایاتی است که بهشت را پاداش زیارت امام کاظم علیه السلام بیان می‌کند:

۱. عن عبدالرحمن بنی أبی بخران قال: سألت أبا جعفر



عمن زار رسول الله (ص) قاصداً؟ قال: «له الجنة و  
من زار قبر أبي الحسن عليه السلام فله الجنة» [۵]

عبدالرحمن بن ابي بخران گوید: از امام باقر عليه السلام در مورد کسی که رسول خدا را زیارت کند سؤال کردم، فرمود: بهشت از آن اوست و افزود: کسی هم که قبر امام کاظم عليه السلام را زیارت کند، پاداش او بهشت است.

۲. عن ابن سنان قال: قلت للرضا (ع): ما لمن زار  
أباک؟ قال: «الجنة، فزره» [۶]

ابن سنان گوید: از امام رضا عليه السلام پرسیدم: چه چیزی برای (پاداش) زیارت پدر بزرگوارت قرار داده شده؟ فرمود: بهشت؛ پس او را زیارت کن.

نوع چهارم: روایاتی است که بیان می‌کند یکی از آثار زیارت حضرت امام هفتم عليه السلام این است که حاجت زائر برآورده می‌شود:

۱. علامه مجلسی در «بحار الانوار» به نقل از خطیب



بغدادی، مورخ مشهور نقل می‌کند که علی بن خلال گوید: هیچ امر مهمی برای من رخ نداد، مگر این که به زیارت قبر امام هفتم علیه السلام رفتم و به آن حضرت متوسل شدم و خداوند آنچه را دوست داشتم، برای من برآورده کرد. [۷]

۲. در روایتی آمده است: روزی پیرزنی را در بغداد دیدند که با شتاب به سوی خانه امام موسی بن جعفر علیه السلام حرکت می‌کند؛ پرسیدند به کجا می‌روی؟ گفت: به سوی موسی بن جعفر علیه السلام می‌روم؛ چون فرزندم زندانی شده است. یکی از مخالفان که حنبلی مذهب بود گفت: او که در زندان مرده است! پیرزن گفت: خدایا! به حق آن کس که در زندان شهید شده، قدرت خود را به من نشان بده. ناگهان دید که فرزندش آزاد شد و فرزند آن کس که او را مسخره کرده بود، به سبب جنایتی که انجام داده بود، دستگیر شد. [۸]



بعضی از اهل علم گفته‌اند که امام کاظم علیه السلام نزد مردم عراق به «باب الحوائج» معروف است و این به بدان سبب است که حوائج مسلمانان را برآورده می‌سازد. [۹]

البته باید گفت که امام هفتم علیه السلام نه تنها در میان مردم عراق، بلکه در میان همه شیعیان بدین لقب شناخته می‌شود.

- .....
- [۱] کلینی، اصول کافی، ج ۴، ص ۵۸۳، ح ۱.  
[۲] ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۳۰۰، ح ۹.  
[۳] همان، ص ۲۹۹، ح ۳.  
[۴] جمعی از محققان، موسوعة زیارت المعصومین (ع)، ج ۴، ص ۱۶، ح ۱۲۱.  
[۵] کامل الزیارات، ص ۲۹۹، ح ۷.  
[۶] علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰۲، ص ۲، ح ۵.  
[۷] همان، ص ۱، ح ۱.  
[۸] همان، ح ۲.

# زندگی با آیہ

پیش تبیین و حفظ آیہ های قرآن



## آیات نصر

هموطن گرامی، اکنون که در ایام زیارتی اربعین سیدالشهداء هستیم و افتخار حضور در این همایش بین‌المللی را داریم، فرصت مناسبی است تا به پیروزی‌های اخیر مردم عزیز ایران اسلامی و نیروهای مسلح در نبردهای تاریخی نیز بپردازیم. این موفقیت‌ها، که با تبعیت از ولایت و تکیه بر ایمان و اعتقاد قرآنی به دست آمده‌اند، گامی در راستای تحقق آرمان‌های اهل بیت و سبک زندگی الهام گرفته از امام حسین (علیه‌السلام) به شمار می‌روند. در این راستا، پیشنهاد می‌شود توجه بیشتری به یکی از علاقمندی‌های ایشان یعنی تلاوت قرآن داشته باشیم. به همین مناسبت، مروری بر ۳۲ آیه نصر از طرح ملی زندگی با آیات، که گنجینه‌ای از راهنمایی‌های الهی برای دنیای پرچالش امروز است، خواهیم داشت.



(۱)

پیامبران نیامدند تا تنها پند دهند و برونند. آنان برانگیخته شدند تا مردم در برابر ظلم و برای برپایی عدالت قیام کنند.

(لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ) (حدید: ۲۵).

هدف جهانی بود که در آن هیچ مظلومی در بند نباشد و هیچ ستمگری یکه‌تاز میدان نشود. اما این آرمان همیشه با مانع ظالمانه روبه‌رو بوده است.

آنانکه منافعشان در ستمگری است، هرگز در برابر عدالت آرام نمی‌نشینند.

پس، از همان ابتدا نبردی تاریخی میان جبهه‌ی حق و باطل شکل گرفت؛ نبردی که تا روز قیامت ادامه خواهد داشت. در این میدان هر انسان باید جایگاه خود را بیابد و سنگر حق را خالی نگذارد.



(۲)

اهل ایمان با اینکه همدل و مهربان با دوستان خویش اند، در برابر دشمنان همچون الگوشان، پیامبر، سرسخت‌اند: (مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ) (فتح: ۲۹).

(۳)

این جنگ تنها با پیروان عادی کفر نیست؛ بلکه باید در برابر پیشوایان ظلم و فساد ایستاد: (فَقَاتِلُوا أَئِمَّةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ) (توبه: ۱۲)؛

(۴)

چراکه به هیچ عهد و پیمانی وفادار نمی‌مانند دشمنی این دشمن بسیار جدی و تمام‌نشدنی است. او تنها در میدان جنگ ظاهر نمی‌شود، بلکه در سبک زندگی نیز رخنه می‌کند. آنان هرگز راضی نخواهند شد مگر اینکه پیرو راهشان شوی:



(وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ)  
(بقره: ۱۲۰).

(۵)

پس مبارزه تنها راه برای این دشمن سیری ناپذیر و مستکبر است.

در این مسیر، استقامت جمعی ضرورت دارد:  
(فَاسْتَقِمُّ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ) (هود: ۱۱۲)

(۶)

و این استقامت با آمادگی و کسب قدرت ممکن می‌شود: (وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ) (انفال: ۶۰)

(۷)

اما پیروزی و شکست در این نبرد تنها وابسته به امکانات ظاهری نیست بلکه همه کارهی میدان خداست و اوست که دل‌ها را ثابت و تیرها را به هدف می‌نشانند. چنان که بارها گروه اندکی به اذن خدا بر جمعی پرشمار پیروز شده‌اند: (كَمْ مِنْ



فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ (بقره: ۲۴۹).

(۸)

و حتی آنگاه که مجاهد تیر پرتاب میکند، در واقع، این خداست که آن را به مقصد می‌رساند: (وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى) (انفال: ۱۷).

(۹)

او در این میدان دست به دامن خدا می‌شود و از او شرح صدر و آرامش طلب می‌کند: (رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي \* وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي) (طه: ۲۵-۲۶).

(۱۰)

و هنگام مواجهه با دشمن سرتاپا مسلح، دلش با این دعا گرم است: (رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَتَبَّتْ أَقْدَامُنَا وَانْصَرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ) (بقره: ۲۵۰).

(۱۱)

کار دشمن همیشه دلهره انداختن و ترساندن بوده



است: (إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ) (آل عمران: ۱۷۵)

(۱۲)

اما خداوند دستور داده است از این قدرت‌های  
شیطانی نترسید: (فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُوا إِن كُنْتُمْ  
مُؤْمِنِينَ) (آل عمران: ۱۷۵).

(۱۳)

و این مؤمنان مجاهد چون به نصرت و قدرت الهی  
ایمان دارند، شوکت و هیبت دشمن دلشان را  
خالی نمی‌کند و با اطمینان خاطر در برابر دشمن  
می‌گویند: (حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ) (آل عمران: ۱۷۳).

(۱۴)

برای همین استقامت است که نه ترسی دارند و نه  
اندوهی: (إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ  
عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا) (فصلت: ۳۰).

(۱۵)

آری، وقتی چنین مجاهدانی صادقانه در میدان



می‌مانند و به عهد خود با خدا وفادار می‌مانند:  
 (مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ  
 فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا  
 تَبْدِيلًا) (احزاب: ۲۳).

(۱۶)

خداوند نیز وعده نصرت و پیروزی خود را برای آنان  
 محقق می‌سازد: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ  
 يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ) (محمد: ۷).

(۱۷)

استقامت در این مسیر رمز پیروزی و کلید حل  
 همه مشکلات است: (وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى  
 الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا) (جن: ۱۶)

(۱۸)

و این وعده الهی حتمی است: (إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ  
 وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ) (قصص: ۱۳)



(۱۹)

و سرانجام پیروزی از آن حزب خداست: (فَإِنَّ حِزْبَ  
اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ) (مائده: ۵۶)

(۲۰)

به شرط اینکه ایمانشان را از دست ندهند: (وَلَا تَهِنُوا  
وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ) (آل عمران: ۱۳۹)

(۲۱)

و چه بشارتی بالاتر از این که در کوران سختی  
ها، نصرت خدا نزدیک است: (أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ  
قَرِيبٌ) (بقره: ۲۱۴)

(۲۲)

(نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ) (صف: ۱۳)

(۲۳)

مبارزه در راه حق نه تنها موجب هدایت فردی،  
بلکه موجب پیشرفت و سعادت جامعه است:  
(وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا) (عنکبوت: ۶۹).



(۲۴)

هرچند توطئه و نقشه دشمن دقیق و پیچیده است،  
در برابر تدبیر و مکر خدای متعال هیچ است:  
(وَمَكْرُوا مَكَرَ اللَّهِ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ) (آل عمران: ۵۴).

(۲۵)

و سرنوشتشان نابودی است: (وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا  
أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ) (شعراء: ۲۲۷).

(۲۶)

چراکه این قاعده همیشه صادق این دنیا است  
که: (جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا)  
(اسراء: ۸۱).

(۲۷)

اما برخی پایشان در این میدان می‌لرزد؛ کسانی که  
شعار می‌دهند ولی سر بزنگاه‌ها پای آرمان هایشان  
نمی‌ایستند و میدان را خالی می‌کنند و این طور  
مورد توبیخ خدا قرار می‌گیرند: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا



لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ (صف: ۲).

(۲۸)

با دیدن هیبت دشمن دلشان خالی می‌شود و عقب نشینی می‌کنند و به خیال خامشان برای به دست آوردن عزت و آبرو می‌خواهند دست به دامن دشمن شوند. اما پیام خدا برای آنان این است که عزت، تنها در ایمان و پیروی از خداوند است (فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا) (نساء: ۱۳۹).

(۲۹)

ای کاش کسانی که غیر از خدا را اولیای خود برگزیدند می‌دانستند که سست‌ترین خانه‌ها، خانه عنکبوت است: (وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ) (عنکبوت: ۴۱).

(۳۰)

آنان که دین را وسیله‌ای برای منفعت‌طلبی دنیا قرار می‌دهند با این سبک دینداری منفعت‌طلبانه‌شان



هم آخرتشان را باختند و هم دنیایشان را: (حَسِرَ  
الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ) (حج: ۱۱).

(۳۱)

بله؛ آینده روشنِ روشن است و زمین سرانجام  
یک روز به صاحبان واقعی‌اش بر می‌گردد: (وَنُرِيدُ  
أَنْ نَّمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ  
أَيْمَةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ) (قصص: ۵).

(۳۲)

این وعده فقط مخصوص امت ما نیست؛ بلکه از  
پیش در کتاب‌های آسمانی نیز نگاشته شده است  
که: (وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ  
يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ) (انبیاء: ۱۰۵).

پس راه روشن است: وحدت و همدلی، جهاد،  
استقامت، ایمان و توکل بر خدا رمز پیروزی در این  
نبرد سرنوشت‌ساز است.



زیارت مدار بعینه



## زیارت اربعین

السَّلَامُ عَلَى وَلِيِّ اللَّهِ وَحَبِيبِهِ، السَّلَامُ عَلَى خَلِيلِ اللَّهِ

سلام بر ولی خدا و حبیبش، سلام بر دوست خدا و نجیبش،

وَنَجِيبِهِ، السَّلَامُ عَلَى صَفِيِّ اللَّهِ وَابْنِ صَفِيِّهِ، السَّلَامُ

سلام بر بنده برگزیده خدا و فرزند برگزیده اش، سلام بر حسین

عَلَى الْحُسَيْنِ الْمَظْلُومِ الشَّهِيدِ، السَّلَامُ عَلَى أَسِيرِ

مظلوم شهید، سلام بر آن دچار گرفتاری ها و کشته اشک ها،

الْكُرْبَاتِ وَقَتِيلِ الْعَبْرَاتِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّهُ وَلِيُّكَ

خدایا من گواهی می دهم که حسین ولی تو و فرزند ولی تو و برگزیده تو و فرزند

وَابْنُ وَلِيِّكَ، وَصَفِيُّكَ وَابْنُ صَفِيِّكَ، الْفَائِزُ بِكَرَامَتِكَ،

برگزیده توست، حسینی که به کرامت رسیده، او را به شهادت گرامی داشتی و

أَكْرَمْتَهُ بِالشَّهَادَةِ، وَحَبَوْتَهُ بِالسَّعَادَةِ، وَاجْتَبَيْتَهُ بِطِيبِ

به خوشبختی اختصاص دادی و به پاکی ولادت برگزیدی و او را آقایی از آقایان

الْوِلَادَةِ، وَجَعَلْتَهُ سَيِّدًا مِنَ السَّادَةِ، وَقَائِدًا مِنَ الْقَادَةِ،

و پیشروی از پیشرویان و مدافعی از مدافعان حق قرار دادی و میراث های پیامبران



وَذَائِدًا مِنَ الذَّادَةِ، وَأَعْطَيْتُهُ مَوَارِيثَ الْأَنْبِيَاءِ، وَجَعَلْتُهُ

را به او عطا فرمودی و او را از میان جانشینان، حجت بر بندگان قرار دادی و در

حُجَّةً عَلَى خَلْقِكَ مِنَ الْأَوْصِيَاءِ، فَأَعْذَرَنِي الدُّعَاءِ،

دعوتش جای عذری باقی نگذاشت و از خیرخواهی دریغ نورزید و جانش را در

وَمَنْحَ النَّصْحِ، وَبَذَلَ مُهْجَتَهُ فَيْكَ لِيَسْتَنْقِذَ عِبَادَكَ

راه تو بذل کرد تا بندگان را از جهالت و سرگردانی گمراهی برهاند، درحالی که

مِنَ الْجَهَالَةِ، وَحَيْرَةِ الضَّلَالَةِ، وَقَدْ تَوَازَرَ عَلَيْهِ مَنْ غَرَّتُهُ

بر علیه او به کمک هم برخاستند، کسانی که دنیا مغرورشان کرد و بهره واقعی

الدُّنْيَا، وَبَاعَ حَظَّهُ بِالْأَزْدَلِ الْأَدْنَى، وَشَرَى آخِرَتَهُ بِالثَّمَنِ

خود را به فرومایه تر و پست تر چیز فروختند و آخرتشان را به کمترین بها به

الْأَوْكَسِ، وَتَغَطَّرَسَ وَتَرَدَّى فِي هَوَاهُ، وَأَسْخَطَكَ

گردونه فروش گذاشتند، تکبر کردند و خود را در دامن هوای نفس انداختند،

وَأَسْخَطَ نَبِيَّكَ وَأَطَاعَ مِنْ عِبَادِكَ أَهْلَ الشَّقَاقِ وَالنِّفَاقِ،

تو را و پیامبرت را به خشم آوردند و اطاعت کردند از میان بندگان، اهل شکاف

وَحَمَلَةَ الْأَوْزَارِ الْمُسْتَوْجِبِينَ النَّارَ، فَجَاهَدَهُمْ فَيْكَ

افکنی و نفاق و بارکشان گناهان سنگین و سزاواران آتش را، پس با آنان درباره تو



صَابِرًا مُحْتَسِبًا حَتَّى سُفِكَ فِي طَاعَتِكَ دَمُهُ وَاسْتِيحَ

صابرانه و به حساب تو جهاد کرد تا در طاعت تو خورش ریخته شد و حریمش

حَرِمَتْهُ؛ اللَّهُمَّ فَالْعَنَهُمْ لَعْنًا وَبِيلاً، وَعَذِبَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا.

مباح گشت؛ خدایا آنان را لعنت کن لعنتی سنگین و عذابشان کن عذابی دردناک،

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام بر تو ای فرزند سرور جانشینان،

يَا ابْنَ سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ أَمِينُ اللَّهِ وَابْنُ

شهادت می دهم که تو امین خدا و فرزند امین اویی، خوشبخت زیستی

أَمِينِهِ، عِشْتَ سَعِيدًا، وَمَضَيْتَ حَمِيدًا، وَمُتَّ فَقِيدًا،

و ستوده درگذشتی و از دنیا رفتی گم گشته و مظلوم و شهید، گواهی

مَظْلُومًا شَهِيدًا، وَأَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ مُنْجِزُ مَا وَعَدَكَ،

می دهم که خدا وفاکننده است آنچه را به تو وعده داده و نابودکننده

و مُهْلِكٌ مَنْ خَذَلَكَ، وَمُعَذِّبٌ مَنْ قَتَلَكَ، وَأَشْهَدُ

کسانی را که از یاری ات دریغ ورزیدند و عذاب کننده کسانی را که تو را

أَنَّكَ وَفَيْتَ بِعَهْدِ اللَّهِ، وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِهِ حَتَّى

گشتند و گواهی می دهم که تو به عهد خدا وفا کردی و در راهش به



أَتَاكَ الْيَقِينُ، فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ  
 جهاد برخاستی تا مرگت فرا رسید، پس خدا لعنت کند کسانی را که تو را  
 ظَلَمَكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً سَمِعَتْ بِذَلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ؛  
 کشتند و به تو ستم کردند و این جریان را شنیدند و به آن خشنود شدند؛  
 اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ أَنِّي وَلِيُّ لِمَنِ وَالَاهُ، وَعَدُوُّ لِمَنِ  
 خدای من تو را شاهد می گیرم که من دوستم با آنان که او را دوست دارند  
 عاداهُ، بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، أَشْهَدُ  
 و دشمنم با آنان که با او دشمن اند، پدر و مادرم فدایت ای فرزند رسول  
 أَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْأَضْلَابِ الشَّاحِحَةِ، وَالْأَرْحَامِ  
 خدا، گواهی می دهم که تو در صلب های بلندمرتبه و رحم های پاک نوری  
 الْمُظْهَرَةِ، لَمْ تُنَجِّسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِأَنْجَاسِهَا، وَلَمْ تُلْبِسْكَ  
 بودی، جاهلیت با ناپاکی هایش تو را آلوده نکرد و از جامه های تیره و  
 الْمُذْهَمَّاتِ مِنْ ثِيَابِهَا، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مِنْ دَعَائِمِ  
 تارش به تو نبوشاند و گواهی می دهم که تو از ستون های دین و پایه های  
 الدِّينِ، وَأَرْكَانِ الْمُسْلِمِينَ، وَمَعْقِلِ الْمُؤْمِنِينَ، وَأَشْهَدُ  
 مسلمانان و پناهگاه مردم مؤمنی و گواهی می دهم که پیشوای نیکوکار،



أَنَّكَ الْإِمَامُ الْبَرُّ التَّقِيُّ الرَّضِيُّ الزَّكِيُّ الْهَادِي الْمُهْدِي،

با تقوا، راضی به مقدرات حق، پاکیزه، هدایت کننده و هدایت شده ای

وَأَشْهَدُ أَنَّ الْأَمَّةَ مِنْ وَلَدِكَ كَلِمَةُ التَّقْوَى، وَأَعْلَامُ

و گواهی می دهم که امامان از فرزندان، اصل تقوا و نشانه های

الْمُهْدَى، وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقَى، وَالْحُجَّةُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا، وَأَشْهَدُ

هدایت و دستگیره محکم و حجت بر اهل دنیا هستند و گواهی می دهم

أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ، وَبِإِيَابِكُمْ مُوقِنٌ، بِشَرَايِعِ دِينِي، وَخَوَاتِيمِ

که من به یقین مؤمن به شمایم و به بازگشتتان یقین دارم، بر اساس

عَمَلِي، وَقَلْبِي لِقَلْبِكُمْ سَلَمٌ، وَأَمْرِي لِأَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ، وَنُصْرَتِي

قوانین دینم و عواقب عملم و قلبم با قلبتان در صلح و کارم پیرو کارتان

لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ لَكُمْ، فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ

و یاری ام برای شما آماده است تا خدا به شما اجازه دهد، پس با

عَدُوِّكُمْ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ، وَعَلَى أَرْوَاحِكُمْ وَأَجْسَادِكُمْ،

شمایم نه با دشمنانتان، درودهای خدا بر شما و بر ارواح و پیکرهایتان

و شَاهِدِكُمْ وَغَائِبِكُمْ، وَظَاهِرِكُمْ وَبَاطِنِكُمْ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ .

و بر حاضر و غایبتان و بر ظاهر و باطنتان، آمین ای پروردگار جهانیان